

اقتصاد ایران

چهارشنبه ۸ آذر ۱۴۰۲ - **سال هفتم - شماره ۱۷۹۵**

۲ دانش دریا

روزه دانش دریا - رضا زیرک - هفتم آذرماه هر سال
به پاس دلاورمردی های کارکنان دریاپیشه نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سالروز عملیات غرورآفرین مروارید به نام نیروی دریایی در تقویم دل های مردم این سرزمین ثبت گردیده است. به همین مناسبت مطلبی به کوشش کارشناس دریایی رضا زیرک تهیه گردیده تا بخشی از زحمات کارکنان خدوم این ارگان نظامی به زیور طبع آراسته گردد.

رضا زیرک، کارشناس دریایی در نوشتاری به روزنامه دریایی اقتصادسرآمد نوشت: دریا برای یک کشور، یک فرصت بزرگ برای پیشرفت و حفظ منافع ملی است و فواید دریا برای یک کشور و یک ملت، فواید راهبردی است. این اشارات، فرازهای از سخنان مقام معظم رهبری در یکی از سفرهای ایشان به منطقه یکم دریایی (بندرعباس) است که حکایت از اهمیت ویژه ظرفیت راهبردی دریا به‌ویژه در آب‌های آزاد و تأثیر آن در پیشرفت، توسعه و البته توان دفاعی کشور دارد. اساساً در شرح وظایف و مأموریت‌های محوله به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از منافع جمهوری اسلامی ایران در دریاها و آب‌های بین‌المللی و رهنمودهای پیش‌گفته، بدیهی است که نیروی دریایی به عنوان یک نیروی راهبردی باید از منافع کشور و خطوط مواصلاتی آن‌که در اقصی نقاط آب‌های دنیا گسترش پیدا کرده است محافظت نماید.

در بعد نظامی نیز یک نیروی دریایی راهبردی عامل مؤثری در دفاع و انتقال صحنه جنگ به سرزمین دشمن و همچنین عامل نفوذ و قدرت منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای است و اثر تعیین‌کننده دارد و از سوی دیگر در زمان صلح نیز ضمن بازدارندگی، نقش مؤثری در خشی کردن و مقابله با تهدیدات است. درعین‌حال نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در چند سال اخیر با اعزام ناو‌گروه‌های متعدد، حضور دائمی خود را در منطقه خلیج عدن و دریای سرخ نشان داده و با عبور از کانال سوئز و ورود به دریای مدیترانه و همچنین اعزام زیرسطحی به دریای سرخ، گام بلندی برداشت و با سفر ناو‌گروه تماماً ایرانی به دور دنیا مهم‌ترین مأموریت‌های تاریخ دریایی ایران را رقم‌زده است.

عمده اهداف این سفرها، تلاش برای همکاری‌های بیشتر، آشنایی با توانمندی‌های سایر کشورها و معرفی دستورالدهای بومی ایران اسلامی به‌طورعملی به کشورهای دوست و دشمن است. همچنین با حضور ناوها و زیردریایی‌های ایران در آب‌های دور ثابت‌شده است که نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران تنها در عرصه سطح دریاها راهبردی شده است بلکه در زیر سطح نیز توانسته راهبردی شود که سبب اعتمادبنفس و نهایت اقتدار جمهوری اسلامی ایران در آب‌های بین‌المللی نیز شده است.

در حال حاضر تحولات نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران فراتر از استقرار تجهیزات نظامی بوده و تا مرحله طراحی و ساخت شناورها و تجهیزات نظامی پیشرفته از جمله دنا و مکران در داخل کشور نیز پیش رفته است. موفقیت سامانه‌های نظامی به‌ویژه طراحی و ساخت تجهیزات شناوری توسط متخصصان کشور در شرایطی فراهم‌شده است که دشمنان با تمام توان با اعمال تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی سعی در توقف رشد فعالیت‌های تحقیقاتی داشته و با طرح مسائل حاشیه‌ای و ایجاد موانع متعدد تلاش می‌کنند تا با تضعیف روحیه جوانان مؤمن، معتقد و دریادل کشور مانع باوروی درخت تنومند خودباوری و استقلال ملی شوند.
اینک به لطیف و حمایت پروردگار و در راستای تحقق رهنمودهای مقام معظم رهبری باگذشت چهل سال از صدور فرمان تشکیل سازمان تحقیقات و جهاد خودکفایی، با مروری اجامی به فراز و نشیب‌های نیروی دریایی کشور عزیزمان بر خود پاینده و با افتخار به گام‌های برداشته‌شده می‌نگریم تا باورحیای مضاعف راه را بر آیندگان هموار ساخته و قدمی هرچند کوچک در جهت ادای دین برادریم. تا چه قبول افتد و چه درنظر آید.

نگاهی گذرا به تاریخچه نیروی دریایی ایران



به لحاظ موقعیت راهبردی و تاریخی خلیج فارس به عنوان یکی از اولین دریاهای محصور شناخته‌شده جهان، امنیت این دریا هر از گاهی موردنظر یکی از پادشاهان ایران قرار می‌گرفته‌است. اولین گزارش از یک نیروی دریایی مجهز محلی در ایران، مربوط به دوران انوشیروان است که به‌قصد تسخیر عربستان، نیروی دریایی عظیمی را در ابوله واقع در اروندرود تجهیز نمود و با آن به عدن در دریای سرخ رسید و آن را مسخر خویش ساخت. البته تا پیش از آن و در لشکر کشتی‌های هخامنشیان به اروپا نیز گاه ذکری از نیروی دریایی قوی ایران شده است.

در زمان هخامنشی، ایران دارای نیروی دریایی مهمی بود. آرتهمیس یا آرتیمز فرمانده بزرگ نیروی دریایی خشایار شاه در جنگ یونانیان بود که با خردمندى و کارآمدی وی نیروی دریایی و کشتی نظامی را رهبری کرده و سپاه یونان را در هم شکست.

نیروی دریایی ایران در آن موقع مرکب از سه گونه کشتی بود: اول – کشتی‌های جنگی که پارو‌زنان آن در سه ردیف یکی



کشتی ناوچه نیروی دریایی

بالای دیگری قرار می‌گرفتند.

دوم – کشتی‌های دراز که برای حمل و نقل اسب‌ها و سوارمنظام بکار می‌رفت.

سوم – کشتی‌های کوچک‌تر که برای حمل و نقل خواروبار استفاده می‌شد.

دریانوردی ایرانیان در دوران اسلامی

پس از ظهور اسلام یعنی سال‌هایی که به‌تدریج دریانوردی اعراب رونق می‌گیرد و حکومت بزرگ اسلامی با توسعه روزافزون خود بر چندند دریای داخلی فرمان رانده اما اصطلاحات دریایی که اغلب آن‌ها فارسی مطلق است و یا ریشه ایرانی دارد نشان می‌دهد که در این ناوگان نیز ارشدیت و برتری همچنان با کسانی است که از قدیم بر دریاها تسلط داشته و جزء اولین ملل دریانورد جهان بوده‌اند.

بعدها اولین تلاش در جهت ساخت کشتی‌های جنگی و ایجاد ناوگان مدرن در دوره صفویه و برای اخراج پرتغالی‌ها از جزیره هرمز و خلیج فارس صورت گرفت. این تلاش به دلیل دخالت انگلستان به نتیجه نرسید و اولین نیروی دریایی مدرن ایران در زمان نادرشاه افشار تأسیس شد.

نیروی دریای نادرشاه در دریای خزر و خلیج فارس

از پادشاهان دوران اخیر ایران فقط نادرشاه به این فکر افتاد که برای تجدید عظمت و استقلال کشور برای نخستین بار یک نیروی جنگی دریایی در خلیج فارس و دریای خزر تأسیس کند و در قسمت دریای خزر کار را به دست مرد کاردانی سپرد که باوجود تمام مشکلات در مدتی کوتاه منظور نادرشاه را عملی ساخت. این مرد کارشناس جان التون انگلیسی است که در سال ۱۷۳۹ میلادی از انگلستان به روسیه آمد و برای ازدیاد روابط بازرگانی ایران و روس در استان‌های کنار دریای خزر به اقدامات مهمی دست زد. عده‌ای از بازرگانان انگلیسی همراه جان التون بودند و از آستاراخان و سایر نقاط روسیه به ایران آمدوشد می‌کردند. دریکی از همین مسافرت‌ها جان‌التن به خدمت نادرشاه رسید. نادرشاه در آن زمان دریافت که موضوع ساختن ناوگان جنگی درکشورایران میسر نخواهد شد بنابراین در ژانویه ۱۷۴۳ میلادی برابر با ۱۱۵۶ هجری قمری دستوری برای جان‌التن برای تدارک ناوگان دریایی صادر کرد و چون التون اسلام آورده بود لقب «جمال‌بیگ» به او داده شد و از جانب نادرشاه به درجه دریا بیگی مفتخر گردید و مأمور تهیه ناوگان جنگی شد.

جمال بیگ به گیلان آمد و با چوپ‌های جنگلی و متخصصین محلی چند کشتی بازرگانی و جنگی تهیه کرده و سپس سی کشتی جنگی بازرگانی ساخت اروپا از هلندی‌ها و انگلیسی‌ها برای ایران خریداری کرد البته ملوان‌های این کشتی‌ها عده‌ای روسی، انگلیسی و تعداد اندکی ایرانی بودند. کشتی‌های جنگی ایران به تمام بندرهای اروپایی و آسیایی از طریق دریای خزر تردد می‌کردند. البته دولت روس از این واقعه بسیار خشمگین بود و مرتب کارشکنی می‌کرد. اتفاقاً بازرگانان انگلیسی هم با دولت روس همدست شدند ولی جمال بیگ دریا بیگی با پشتوانه نادرشاه افشار هم روس‌ها را سر جای خود نشاند و هم بازرگانان انگلیسی را از مداخله در امور بازرگانی ایران ممنوع ساخت. دریا بیگی و فرمانده کل نیروی دریایی ایران در خلیج فارس میرزا مهدی خان اصلا از دریا و کشتی اطلاعی نداشت و بدون اینکه خلیج فارس را دیده باشد به راه‌های آن جا فرمان روایی می‌نمود. نادرشاه این تقیصه را درک کرده دستور داد از مازندران و گیلان چوب به بوشهر بیاورند و از دریانوردان دریای خزر استفاده کرده آن‌ها را به بندر بوشهر اعزام نمایند. عمر نادرشاه برای انجام این کار وفا نکرد و تا چندی پس از کشته شدن نادرشاه کارخانه کشتی‌سازی بوشهر با مصالح و لوازم دیده می‌شد و از آن به بعد مانند هر بنای ناتمام ایران به کلی از بین رفت. باآن که نادرشاه افشار کشته شد ولی دشمنان ایران جمال‌بیگ دریا بیگی را در تاریخ ۱۷۵۱ میلادی برابر با ۱۱۶۵ هجری با تیر زدن و با قتل نادرشاه و جان‌التن تاریخ کوتاه ولی پرافتخار نیروی دریایی ایران در دریای خزر یک سرره پایان یافت و بعدها دریای خزر از هر جهت تحت اختیار دولت روس درآمد و ایران از داشتن هرگونه ناوگانی در این دریا محروم ماند.

سال‌های افول و غم‌انگیز برای نیروی دریایی ایران

دریانوردی ایرانیان در این دوران حتی تا پایان دوره قاجاریه آن‌قدر ناچیز و حقیر به نظر می‌رسد که اصولاً شاید قابل چشم‌پوشی باشد. در این سال‌ها قدرت دریایی ایران به‌کلی فراموش شده و به تاریخ پیوسته است.

حتی اغلب ایرانیان خود نیز فراموش کرده‌اند که روزگاری صاحب چنان قدرت دریایی درخشانى بودند که نه‌تنها پاسدار مرزهای دریایی پهناور کشور بود بلکه دوردست‌ترین اقیانوس‌ها و دریاهای باستان را به‌ننه تاخت و تاز خود می‌ساخت.

پس از نادرشاه، صادق خان برادر کوچک‌تر کریم‌خان زند در سال ۱۷۵۵ میلادی برابر با ۱۱۸۸ هجری قمری برای حمله به بصره به جنگ با عثمانی مجبور شد سی کشتی از عرب‌ها کرایه کند و به عراق حمله کند. از آن تاریخ به بعد در خلیج فارس و دریای خزر ناوگان ایرانی وجود نداشت و دولت ایران حتی برای حمل و نقل محموله‌های پست معمولی خود در خلیج فارس وسیله در اختیار نداشت.



کشتی جنگی پرسپولیس

پس از شکست ایران و انعقاد پیمان‌های ننگین گلستان و ترکمان-چای طبق ماده پنجم عهدنامه اول و ماده هشتم پیمان دوم ایران متعهد شد که در دریای خزر کشتی جنگی نداشته باشد بلکه این حق را برای روس‌ها قائل شود که جز آن‌ها کسی نتواند در دریای خزر ناوگان جنگی اداره کند. امیرکبیر با داریت خاص خود توانست نص عهدنامه ترکمن‌چای را تغییر داده و امتیازی را که روس‌ها تحصیل کرده بودند موقوف الاجرا گذارد. اما آنچه بیشتر توجه شخص امیرکبیر را به خود جلب کرد، ایجاد یک نیروی دریایی مقتدر و مبارزه بانفوذ و سیطره انگلیس در خلیج فارس بود. با قتل امیرکبیر و ناتمام ماندن بسیاری از اقدامات او، این امر نیز تحقق نیافت. ناصرالدین‌شاه در دوره سلطنت خود سعی داشت که نیروی دریایی در خلیج فارس ایجاد نماید و در سال ۱۸۶۵ میلادی پیشنهاد کرد که جهت مراقبت و حفظ انتظامات بنادر خلیج فارس، چهار فروند کشتی جنگی خریداری نمایند و اداره آن‌ها را به دست صاحب‌نصبان انگلیسی و ملاحان هندی و عرب واگذار نماید، اما این نقشه هیچ‌وقت عملی نشد. پانزده سال بعد شاه با یک شرکت آلمانی قراردادی منعقد نمود که دو فروند کشتی برای او بسازند. یکی از کشتی‌های مذکور موسوم به پرسپولیس که دارای شش صد تن ظرفیت و ۴۵۰ اسب قوه و چهار لوله توپ کروپ بود در سال ۱۸۸۵ میلادی وارد بوشهر گردید و کشتی دیگر موسوم به شوش چندی بعد به بندر خرمشهر فرستاده شد، قطعات منفصل آن در آنجا سوار و بکار گرفته شد. گذشته از ساخت این دو کشتی اقدام دیگری برای تکمیل نیروی دریایی ایران به عمل نیامد و نقشه مذکور عقیم ماند. پرسپولیس پس از ورود به بوشهر تحت نظر حاکم شهر مشغول بکار شد.

در شش ماه اول حتی یک‌بار از محلی که در روز ورود در آنجا لنگر انداخته بود خارج نشد. پس ازآن هم ناخدای آلمانی چند بار کشتی را چند متری به جلو و عقب برد تا از فرسودگی موتورها جلوگیری کند. هنگامی که حاکم بوشهر از صدراعظم دربار و وظیفه کشتی جنگی استفسار کرد، تا یک سال بعد هیچ‌گونه جوابی به او داده نشد، اما سرانجام به او پاسخ دادند که از این پس حاکم بوشهر لقب دریا بیگی خواهد داشت.

آخرین تلاشی که در دوران قاجاریه برای تشکیل نیروی دریایی ایران به عمل آمد، طی دوران حکومت احمدشاه بود. در آن ایام با کمک و هم فکری مسیو پاتر هلندی که بعدها به تابعیت ایران درآمد، چهار ناوچه توپ‌دار که مخصوص مبارزه با قاقاچیان بود از انگلستان خریداری شد. پاتر که در استخدام مأموران بلژیکی گمرکات بود و در سال ۱۳۰۳ هجری به کشور ایران وارد شد. بااینکه تخصص او در امور گمرکی بود چون در کشور خود استفاده از ناوچه‌های توپ‌دار را برای مبارزه با قاقاچیان آموخته و اطلاعاتی در این زمینه کسب کرده بود هنگامی که مأموریت بندر بوشهر را یافت در رأس سازمان ناوچه‌ها گمارده شد. این چهار ناوچه هر یک هفتادوپنج تن ظرفیت داشتند و آذربایجان، گیلان، مازندران و خراسان نامیده می‌شدند.کشتی دیگری که در سال ۱۳۰۸ هجری از آلمان خریداری شد چلیچله نام داشت. این کشتی چهل تن ظرفیت داشت و به‌هیچ‌وجه با توپ یا وسیله جنگی و دفاعی دیگری مجهز نبود، به این دلیل وقتی به گمرک بوشهر تحویل شد با اعتراض مأموران گمرک مواجه گردید تا آنجا که مدت‌ها از تحویل آن خودداری کردند. این کشتی علاوه بر فقدان وسیله دفاعی سرعت حرکت آن نیز بین هشت تا ده گره دریایی بود و بیشتر شناورهای بادیانی که قاجاق حمل می‌کردند سرعت شان از کشتی چلیچله بیشتر بود و چون توپ نداشت نمی‌توانست با قاقاچیان مبارزه کند. علاوه بر این کشتی‌ها نیروی دریایی ایران در دوران قاجاریه تا پایان سلطنت احمدشاه چند قایق موتورى، ده کشتی بادبانی و یک کارخانه تعمیرات نیز در جنوب داشت و بودجه این نیرو در آخرین سال یعنی سال ۱۳۰۴ شمسی با عنوان اداره بحریه گمرک جنوب ۵۹/۸۲۰۰قران بود.



یک کارشناس دریایی به بهانه هفتم آذرماه به «اقتصاد سرآمد» نوشت:

آغازی بر اقتدار دریایی

گذری به تاریخچه نیروی دریایی ایران



ملاحظات: تا مدتی از سرنوشت کشتی ۱۱۰ساله پرسپولیس که هدیه آلمان‌ها به ناصرالدین‌شاه بود و به عنوان نخستین ناو جنگی ایران شناخته می‌شد خبری نبود تا آنکه بقایای آن در سواحل دریای بوشهر یافت شد و به موزه دریا و دریانوردی خلیج فارس منتقل شد. کشتی پرسپولیس به عنوان شناسنامه استان بوشهر شناخته می‌شود و حفاظت فیزیکی از این کشتی بر عهده نیروی دریایی راهبردی نیروی دریایی ارتش است.

شروع دوباره

این داستان تا کودتای رضاخان ادامه داشت سرانجام در ۱۳۰۳ سردار سپه به عنوان نخست‌وزیر وقت در سفری به خوزستان به نیاز کشور جهت داشتن یک نیروی دریایی کارآمد واقف شد. و در اسفند همان سال کشتی کوچک مظفری را به عنوان اولین کشتی رسمی نیروی دریایی فعال نمود و در جات و رتبه‌بندی‌ها و انفورم رسمی نیروی دریایی طراحی و سال بعد یک کشتی ۲۰ تنی تحت عنوان سفیدرود که قبلاً متعلق به شیلات بود به نیروی دریایی پیوست. با موفقیت نیروی دریایی در جنوب کم‌کم فکر شکل‌گیری آن در شمال هم به واقعیت می‌پیوست. البته مدت‌ها طول کشید تا اولین ناوچه‌های توپ‌دار ساخت آلمان به شکل قطعات به ایران صادر گردد. در سال ۱۳۰۴ اولین ناوچه‌ی ۱۴۱ تین‌مین‌روب از آلمان تحویل گرفته شد و تحت عنوان پهلوی و بعدها ششاهین عملیاتی گردید.

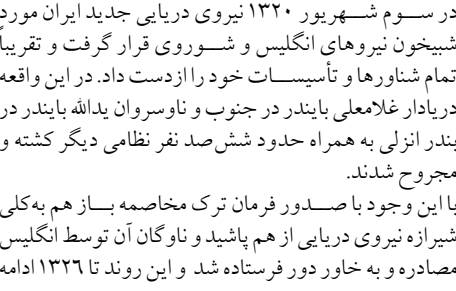
به سبب نفوذ و قدرت بی‌حد حساب انگلیسی‌ها در خلیج فارس و هرج‌ومرج، ناامنی و قاچاقی که توسط برخی خوانین محلی دامن زده‌شده بود، رضاشاه و برخی از دولت‌مردان آن زمان را بر این اندیشه فروبرد که برای حفظ امنیت و اقتدار در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان (مکران) بایستی یک نیروی دریایی قوی و مجهز تأسیس نمایند. این اندیشه در اواخر سال ۱۳۰۶ به‌صورت پیشنهادی به مجلس شورای ملی تقدیم شد که در جلسه ۲۹ اسفندماه سال مذکور ضمن تصویب اعتباری به‌منظور خریداری کشتی‌های مسلح برای عملیات ضد قاچاق و تعمیر کشتی‌های موجود در شعیه بحریه گمرک جنوب به دولت اجازه داده شد که دو نفر کارشناس دریایی از کشور ایتالیا استخدام کند و تحت نظر وزارت جنگ به خرید واحدهای دریایی اقدام نمایند. لذا دفتر آن زیر نظر نیروی زمینی فعال شد بنابراین در همان سال اولین گروه افسران برای آموزش به ایتالیا اعزام شدند و پیرو آن اولین سفارش‌ها برای ناوچه‌های جدید هم ارسال شد.

در سال‌های ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲، رضا شاه تصمیم به تجدید ناوگان جنگی دریایی گرفت و مأموریت خرید مخفیانه را به پرس سفلارش داد. در اندک زمانی میان مسئولان وزارت جنگ ایران و دولت ایتالیا مذاکراتی صورت گرفت و طی توافق طرفین، مقرر شد که گروهی از افسران جوان ایرانی را برای آموختن فنون دریایی در رشته‌های کشتی، موتور، بی‌سیم، الکترونیک، هدایت کشتی و غیره به کشور ایتالیا اعزام شوند تا دوره‌های لازم را به پایان برسانند.

روند تأسیس نیروی دریایی بدین طریق ادامه داشت تا این که در سال ۱۳۱۱ شش ناو ساخت ایتالیا به نام‌های ببر، پلنگ، شهباز، سیمرخ، کرکس و ششاهین وارد آب‌های خلیج فارس شدند. این کاروان دریایی بعد از توقف کوتاهی در بندرعباس

- و لنگه به‌سوی بندر بوشهر حرکت نمود. در تاریخ ۱۷ آبان کشتی‌های مذکور در شش کیلومتری بوشهر روبروی عمارت دارالحکومه لنگر انداختند.
- از آنجائی که مرکز فرماندهی نیروی دریایی خرمشهر تعیین گردید لذا محل مأموریت این شناورها به شرح زیر تعریف شد:

- ناو ببر (خرمشهر و گشت زنی در آب‌های خلیج فارس)
- کشتی سیمرخ (خرمشهر)
- کشتی شاهین (خرمشهر)
- ناو پلنگ (آبادان و گشت زنی در آب‌های خلیج فارس)
- کشتی کرکس (بندر شاهپور، بندر امام خمینی فعلی)
- کشتی شهباز (بندر شاهپور، بندر امام خمینی فعلی)



در سوم شهریور ۱۳۲۰ نیروی دریایی جدید ایران موردِ شیبخون نیروهای انگلیس و شوروی قرار گرفت و تقریباً تمام شناورها و تأسیسات خود را از دست داد. در این واقعه

دریادار غلامعلی بایندر در جنوب و ناوسروان یدالله بایندر در بندر انزلی به همراه حدود شش صد نفر نظامی دیگر کشته و مجروح شدند.

با این وجود با صدور فرمان ترک مخاصمه بساز هم به‌کلی شیزه‌ای نیروی دریایی از هم پاشید و ناوگان آن توسط انگلیس مصادره و به خاور دور فرستاده شد و این روند تا ۱۳۲۶ ادامه

داشت تا سرانجام دوباره به دنبال فشارهای وارده نیروی دریایی شکل گرفت و با ۶ فروند ناوچه قدیمی شروع به فعالیت کرد از این زمان روند بهبود نیروی دریایی ادامه پیدا نمود.

باخرید ناوشکن‌های Destoryer کلاس آر تمیز که به یاد جان‌فشانی بانوی ایرانی چنین نامی بسر بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین ناو جنگی کشورمان نهاده شد و بعدها به دماوند تغییر داده شد. و ناوهای (ببر و پلنگ) که به یاد ناوهای ایتالیایی نابودشده در جنگ جهانی دوم ببر و پلنگ نام‌گذاری شدند در حقیقت رزم‌ناوهای قدیمی آمریکا در جنگ دوم جهانی بودند و به‌صورت مازاد نیاز به‌روزرسانی شده و تحویل ایران داده شدند.

از آن به بعد مانورهای نیروی دریایی رو به گسترش گذاشت و ناوشکن‌های مذکور نقش بسیار مهمی در حمایت از واحدهای پیاده ایران و اجرای آتش پشتیبانی از نیروهای کشورمان در عملیات ظفار در کشور عمان داشتند. یکی از دلایل خرید این ناوها در واقع تربیت کادر لازم برای ناوشکن‌های سنگین موشک‌انداز و مدرن نوع (اسپر وانس) ساخت آمریکا که در نیروی دریایی کشورمان به ناوشکن‌های کلاس (کوروش) شهرت داشتند بوده است.

ناوشکن‌های ببر و پلنگ اولین ناوهای ایرانی مجهز به سکوی پرواز بالگرد و موشک‌های دو مأموریت (ضد سطحی – ضد هوایی) از نوع استاندارد در نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بودند. توپ‌های کالیبر ۵ اینچ موجود در ناوشکن‌های ببر و پلنگ نیز پرقدرت‌ترین توپ‌های موجود در نادجا تا زمان حال بوده‌اند و ناو ببر تنها ناو سنگین مجهز به سونار عمق متغیر در نیروی دریایی ایران بوده است.

در سال ۱۳۴۰ دربابان فرج‌الله رسایی فرمانده نیروی دریایی گردید در این تاریخ به دلیل معادلات خاص سیاسی گسترش نیروی دریایی در اولویت اول قرار گرفت. از جمله‌ای این دلایل می‌توان به:

- موقعیت جغرافیایی ایران و خلیج فارس
- توسعه‌ی تولیدات نفتی در خلیج فارس و خاورمیانه و افزایش صادرات نفتی ایران
- تهدیدات ناشی از توسعه‌طلبی شوروی در کلیه نقاط جهان بخصوص خاورمیانه
- از همه مهم‌تر اینکه ایران می‌خواست استقلال نظامی خود را به‌طور کامل باز پس گیرد و به یکی از قدرت‌های خاورمیانه بدل شود به همین منظور طرح‌های گسترش به‌سرعت فراهم شد و پایگاه‌هایی در خلیج فارس و دریای عمان ایجاد گردید (قرار بود پایگاه دریایی کنارک بعد از پایگاه دریایی دیگو گارسیای آمریکا از پیشرفته‌ترین پایگاه‌های دریایی شود) طرح‌های گسترش این بار با سرعت هرچه‌تمام‌تر پیش می‌رفت تعداد زیادی هواناو و ناوچه و ناوشکن سفارش داده شد.

در بخش لجستیکی هم ناوهای لندینگ شیب کلاس هنگام (هنگام، سبیری، تنب و لاوان) لندینگ کرافت‌های تانکربر در تنژا گوناگون، ناوهای کلاس چاپهار و اقیانوس‌پیامی فرمده‌ای – سوخت‌رسانی کلاس بندرعباس (بندرعباس و بوشهر) تانکرهای کلاس کنگان (کنگان، طاهری، مرجانی، امیر) نیرو برهای کلاس هرمز و در نهایت چهار کشتی مین جمع کن کلاس ریاضی (ریاضی و شاهرخ) و دومین جمع کن کک‌جک یک کشتی تعمیراتی را برای آموختن کارشناسان آموزشی در شمال کشور راشامل می‌شد.

عده ناوچه‌های مسلح به موشک‌های سطح به سطح AGM –A-Harpoon ۸، توپ ۵ میلی‌متری و ناوهای کلاس سام مجهز به موشک‌های Sea killerایتالیایی و موشک‌های ضد هوایی Cat Sea به همراه توپ‌های دریایی سنگین ۱۱۰ میلی متری و ناوشکن‌های مجهز به موشک ضد هواپیمایی Standard SM –۱ بودند ضمناً انواع رادارهای شناسایی سطحی و هوایی و سیستم سونار به همراه خمپاره ضد زیردریایی استفاده می‌کردند و توپ‌های ضد هوایی یا راکت اندازها بر روی برخی شناورها به چشم می‌خوردند و سایر ناوگان نیز برای دفاع به توپ‌های ضد هوایی و توپ‌های سبک ضد-سطحی مجهز بودند.

برای سازمان‌دهی چنین ناوگان عظیمی سه منطقه دریایی بندرعباس بوشهر و خرمشهر

به همراه تعدادی پایگاه دریایی در جزایر خلیج فارس و دریای عمان و دریای خزر ایجاد شد.

علاوه بر خریدهای گسترده برای نیروی هوایی تشکیل یک یگان پروازی در نیروی دریایی

مناظر قرار گرفت. و بلافاصله درخواست خرید بالگردهای مختلف به شرکت آگوستا وستلند بل (شرکت تولیدکننده بالگردهای آمریکایی تحت امتیاز در ایتالیا) داده شدد بر

همین اساس تفکر بر آن بود بخشی از ناوگان بالگردهای نیرو بر (SAR) Search & Rescue جستجو و نجات) و بقیه دارای توانایی ضد سطحی (ASV=Anti surface vessels) یا زیرسطحی (=ASW Submarine Warfare) باشد.

دو پایگاه هوادری نیز در بندرعباس (پایگاه یکم) و بوشهر (پایگاه دوم) به همراه پایگاه چاپهار در نظر گرفته شد و علاوه بر ناوگانی که پذیرش بالگرد را داشتند جزایر خارگ کیش لاوان قشم و سایر پایگاه‌های دریایی مانند خرمشهر دارای امکاناتی جهت این امر بودند.

جداً از موارد ذکرشده نیروی دریایی ایران قرارداد خرید هفت فروند هاورکرافت سنگین BH –۷ و هشت فروند هاورکرافت متوسط SRN –۶از انگلستان نمود که بر روی هواناوهای BH –۷موشک‌های استاندارد نصب شد و ایران تا مدت‌ها بزرگ‌ترین ناوگان هوادری را در اختیار داشت و می‌توانست ظرف ۲۵ دقیقه یک گردان کامل نظامی را به جنوب خلیج فارس انتقال دهد.